

ویلم فلوسر، گرگوری پاسکالیدیس، مارک ماس و ...

تاریخ نگاری و عکاسی

جستارهایی پیرامون عکس به مثابه سندی تاریخی

ترجمه‌ی

محمد غفوری



فهرست

- ۹ یادداشت مترجم
- عکس برداری از تاریخ
۱۹ مارک ماس
- تصاویر تاریخ و ناخودآگاه دیدمانی
۵۷ گرگوری پاسکالیدیس
- عکس: تصویر ساکن
۷۷ درک سه‌بیر
- عکاسی و تاریخ
۱۲۵ ویلم فلوسر
- تصاویر گذشته: دیدگاه‌های بنیامین و بارت درباره‌ی عکاسی و تاریخ
۱۳۵ تیم دانت، گرایم گیلوچ
- رویکردهایی روش شناختی به گره‌گشایی از عکس‌های تاریخی
۱۶۷ اریک مارگولیس، جرمی راو
- عکس‌ها و حافظه‌ها
۲۱۹ لوتس کوئینیک
- ۲۷۳ واژه‌نامه‌ی فارسی - انگلیسی
- ۲۷۹ نمایه

یادداشت مترجم

«در این دنیا چه چیز... است که حماسه‌ای به وسعت یک آلبوم عکس بسراید؟»

گونتر گراس، طبل حلبی

«این تجمل و آیین که تو می‌بینی در نظر من آن چنان می‌نماید که عکسی در آینه،

یعنی که هست نماینده است که در حقیقت نیست.»

شیخ بهاء‌الدین یزدی، به نقل از تحفه‌العرفان فی ذکر سیدالاقطاب روزبهان

آنچه عکاسی را بیش از دیگر محصولات فرهنگ دیداری به تاریخ‌نگاری نزدیک می‌کند، پیوند نمایه‌ای عکس با واقعیت است؛ پیوندی که از همان دهه‌های نخست پیدایش عکاسی مهم‌ترین امتیاز عکس بر دیگر دست‌ساخت‌های دیداری انسانی تا آن هنگام - نقاشی، گراور و... - به شمار می‌آمد. از این قرار، عکس به مثابه رونوشت و نسخه‌ای اصیل و مکانیکی از هستی اجتماعی و تاریخی، می‌توانست منبعی مستقیم و موثق برای دست‌یابی به بسیاری از واقعیت‌ها و از جمله واقعیت‌های گذشته باشد، واقعیت‌هایی که از دسترس و دایره‌ی امکانات و توانایی‌های گفتمان نوشتاری و مشتقات آن به دور بود. این مسئله اکنون در تاریخ نظریه‌ی عکاسی به مسئله‌ای کلاسیک بدل شده است؛ به این معنا که به‌رغم کهنگی، قدمت و فراوانی متونی که درباره‌ی عکاسی نوشته شده هنوز هم موضوع اصلی گمانه‌زنی‌های نظری در این زمینه است.

مهم‌ترین عرصه‌ی اصطکاک علوم انسانی با فرهنگ دیداری و از جمله عکاسی همین تلقی رایج از عکس به مثابه سندی اعتمادپذیر از واقعیت است که

دسترسی به پدیده‌های تاریخی و اجتماعی را بدون هرگونه واسطه‌ی انسانی مشکوک (که مهم‌ترین آن‌ها ذهنیت حاکم بر روایت‌های نوشتاری است) فراهم می‌آورد. این برداشت امروزه در کنار بسیاری از دیگر اسطوره‌های عینیت به باد پرسش گرفته شده است. اما توانایی‌های بالقوه و اکنون دیگر نامکتوم عکس، برای بازتاب متمایز واقعیات جهان اجتماعی و تاریخی ما، بسیاری از پژوهش‌گران علوم انسانی و اجتماعی را به صرافت بهره‌گیری از روش‌شناسی‌های نوینی انداخته است که در آن‌ها بهره‌جویی از دست‌آوردهای صنعت دیداری رفته‌رفته جایگاهی تعریف‌شده را به خود اختصاص می‌دهد. در این میان اما گمانه‌زنی‌های نظری پیرامون پیوند میان‌رشته‌ای عکاسی و حرفه‌ی تاریخ‌نگاری به گونه‌ای شگفت‌انگیز در سطحی نازل باقی مانده است. طرفه آن‌که تلاش‌های نظری درباره‌ی امکان بهره‌گیری تاریخ‌نگارانه از سینما، که قدمت آن دست‌کم نیم‌قرن کم‌تر از عکاسی است، با پویایی و توان علمی بیش‌تری ادامه دارد. برای نمونه هنوز در حوزه‌ی ارتباط میان تاریخ و عکاسی مقاله‌ای مستقل و دوران‌ساز هم‌سنگ با مقاله‌ی رابرت روزنستون درباره‌ی بهره‌گیری مورخان از سینما^۱ و پاسخ مهمی که هایدن وایت بدو داده^۲ پدید نیامده است و این گذشته از کتاب‌های پرشماری است که روزنستون، مارنی هیوز و ارینگتن و دیگران در این باره نگاشته‌اند. اگرچه مقایسه‌ی میان سینما و عکاسی در این زمینه چندان موجه نمی‌نماید، اما تا اندازه‌ای نمایاننده‌ی کمبودهای نظری در زمینه‌ی رویکرد تاریخ‌نگارانه به کارکرد استنادی عکس است.

از میان آثار مهم اما اندک‌شماری که در این باره به نگارش درآمده است می‌توان به دو کتاب اشاره کرد. نخست کتاب نظریه‌پرداز پرآوازه و پرکار بریتانیایی، پیتربرک، است. برک در کتاب خود با عنوان شاهد عینی: بهره‌گیری از تصاویر چونان اسنادی تاریخی^۳ به شمایل‌نگاری و امر خوانش اسناد تصویری به

مفهوم عام آن می‌پردازد و فصل‌هایی از کتاب خود را نیز به کاربرد عکس در تاریخ‌نویسی اختصاص می‌دهد. کتاب دوم اثر کوتاه و پیچیده‌ی ادواردو کاداوا، واژگان نور: نهاده‌هایی پیرامون عکاسی تاریخ، است که با عنوان تزهایی در باب عکاسی تاریخ^۱ همراه با مقاله‌ی مهم بنیامین با عنوان «تاریخ کوچک عکاسی»، در پیوست خود، به فارسی ترجمه شده است. کتاب کاداوا برخلاف اثر برک یک اثر روش‌شناختی و نظری متعارف نیست و بیش‌تر حاصل بسط اندیشه‌های والتر بنیامین درباره‌ی کارکرد فرهنگی عکس است.^۲

مقاله‌هایی که در این مجموعه ترجمه شده‌اند همگی گردآورده‌ی مترجم‌اند و از محدود نوشته‌هایی هستند که پرتوهایی نظری بر مسائل اساسی این زمینه می‌افکنند. در واقع، یکی از موانع بنیادی بر سر راه گسترش فعالیت‌های نظری در حوزه‌ی تاریخ‌نگاری عکس محور وابستگی اغلب مطالعات و پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه به مصادیق و نمونه‌هایی است که عمدتاً در بافت‌های فرهنگی و تاریخی خاصی قابل درک‌اند. به همین دلیل دست‌یابی به نوشته‌هایی که حاوی ملاحظات نظری و روش‌شناختی عام باشد بسیار دشوار است. اگرچه گاه می‌توان چنین ملاحظاتی را در متون نظری فراوان رشته‌ی عکاسی بازجست، اما اشارات صورت‌گرفته به این موضوع کم‌شمارتر از آن است که بتواند دست‌مایه‌ای برای تدوین یک تک‌نگاری مستقل و روش‌مند در این زمینه شود. شاید از همین‌روست که بیش‌تر مقالاتی که در این اثر ترجمه شده‌اند، تا اندازه‌ای حاوی مضامینی مشابه هستند و وجوهی مشترک از تاریخ و ادبیات موضوع را به بررسی می‌گذارند. به هر روی هر کدام از این نوشته‌ها حاوی

۱. ادواردو کاداوا، تزهایی در باب عکاسی تاریخ، ترجمه‌ی میثم سامان‌پور، (تهران: نشر رخ داد نو، ۱۳۹۱). ترجمه‌ی فارسی کتاب از روی نسخه‌ی نخست نوشته‌ی کاداوا که به صورت یک مقاله‌ی نسبتاً بلند به نگارش درآمده، انجام گرفته است و از این رو فاقد برخی از فصل‌های اضافی و عنوان‌بندی‌های معناداری است که در چاپ رسمی و مستقل کتاب گنجانده شده است.

۲. برای معرفی و نقدهی کوتاه بر این کتاب نگاه کنید به: الکساندر ریکمن، «واقعیت دیگر؟ نگاهی به کتاب واژگان نور، تزهایی درباره‌ی عکاسی تاریخ»، ترجمه‌ی محمد غفوری، ماهنامه‌ی زمانه، مرداد و شهریور ۱۳۹۲، شماره‌های ۱۲۴-۱۲۵.

1. "History in Images/History in Words: Reflections on the Possibility of Really Putting History onto Film", in Robert A. Rosenstone, *Visions of the Past: The Challenge of Film to Our Idea of History*, 1998.

۲. هایدن وایت، «تاریخ‌نگاری و تاریخ‌عکسی»، ترجمه‌ی محمد غفوری، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، فروردین ۱۳۹۳، ش ۱۹۱، صص. ۳۰-۳۶.

3. Peter Burke, *Eyewitnessing: The Uses of Images as Historical Evidence*, (London: Reaktion Books, 2001).